■ افشین علی رغم اینکه از نظر تیپ و قیافه چیزی کم نداشت و همونطور بود که من می خواستم از نظر مالی هم چیزی کم نداشت و می شد گفت که آدم کاملا مرفه و پولداری بود و برای همین بدون اینکه تحقیق کنم و به حرف خانواده ام گوش بدم جواب مثبت دادم بدون اینکه حتی بفهمم کارو کسب اصلی اون چیه با هم نامزدشدیم.

معرفی وبلاگهای استان

مقدمه:

■ از آنجایی که دنیای مجازی این روزها جزیی از زندگی روزمره اکثرایرانیان شده و به گفته آمار رسمی ۷ میلیون کاربر اینترنت در کشور داریم ، لذا می طلبد که با نگاه ویژه ای به وب و دنیای مجازی و آنلاین بنگریم . وبلاگ نویسان ایرانی از نظر تعداد ، بیشترین آمار را در دنیا به خود اختصاص داده و هر روز شاهد ایجاد یک وبلاگ در عرصه ، فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی ، ادبی، عکاسی و... هستیم که خود نشانگر توجه و دقت نظر و علاقمندی جوانان ایران اسلامی به دستیابی به اینترنت و اطلاع رسانی شفاف و بی واسطه اند. بیراه ندیدیم که یک ستون در "دریا" را به معرفی وبلاگهای استان اختصاص دهیم و هر شماره یک وبلاگ را جهت اطلاع و آگاهی خوانندگان معرفی نماییم.

این ستون مجالی است برای شناساندن استعدادهای نهفته و دستان توانمند و قلمهای آگاه و روشنگری که بی محابا در راستای ارتقا فرهنگ عمومی و بینش جامعه گام بر می دارند . در این راه منتظر قلمهای سبز و وبلاگهای پربارتان هستیم.

■ وبلاگ هیئت کاراته بندرلنگه

این وبلاگ برای اطلاع رسانی هر چه بیشتر عملکردهای هیئت کاراته شهرستان بندرلنگه راه اندازی شده است. با نظرات خود ما را یاری کنید.

تلفاکس هیئت کاراته شهرستان بندرلنگه در آبان ۸۴ کار خود را در عرصه ورزشی آغاز کرده است وتاکنون همچنان پیشتاز می باشد.

این وبلاگ مربوط به روابط عمومی هیئت کاراته می باشد و پیشگام در انعکاس اخبار کاراته بندرلنگه است.

روابط عمومی و روزنامه نگاری الکترونیکی

◈ مهندس مهدی شایان

در این مقاله سعی شده دو مبحث روابط عمومی الکترونیک وروزنامه نگاری الکترونیک ، محاسن، ویژگی وابعاد آنها بحث وبررسی شود .

روابط عمومی الکترونیک :

روابط عمومی (public ReIations) نوعی عملکرد مدیریتی خاص است که به ایجاد وحفظ خطوط دو طرفه ارتباطی ، درک ، پذیرش وهمکاری بین یک سازمان وارباب رجوعان آن کمک می کند ودر واقع روابط عمومی عبارت است از دانشی که توسط آن، سازمان ها آگاهانه می کوشند به مسئولیت اجتماعی خویش عمل کنند تابتوانند تفاهم وحساسیت کسانی را که برای موسسه اهمیتی دارند به دست آورند .

در تعریف دیگری از روابط عمومی می توان گفت : روابط عمومی عبارت است از برقراری ارتباطی پویا دوسویه با مخاطب ودادن اطلاعات به مردم وتلاش هایی ترغیبی به منظور تغییر گرایش ها ورفتار مردم وکوشش برای هم بسته ساختن نگرش ها واقدامات یک موسسه با مخاطبین خود ومتقابل نگرش ها واقدامات مخاطبان با موسسه.

حال اگر بخواهیم تعریفی از روابط عمومی الکترونیک ارائه دهیم باید بگوییم که روابط عمومی الکترونیک روش بکار گرفتن فناوری جدید ارتباطی ICT وسیستم های نوین اطلاع رسانی برای ارائه خدمات منطبق بر خواسته ها ونیازهای مخاطبان به طور لحظه ای (on line) به منظور تحقق بخشیدن به هدف های روابط عمومی است. بنابراین گزارش ، روابط عمومی های ایالات متحده آمریکا هرسال معادل دویست هزار اطلاعیه رسمی را به اینجا وآنجا ارسال می کند که غالبا بدون خوانده شدن از سوی خبرنگاران دور ریخته می شوند . این همه اطلاعیه با صرف ۲۰۴ میلیون دلار هزینه ، ارسال می شود .

با ذکر این مطلب می توان نقش روابط عمومی های الکترونیک را در حفظ محیط زیست ، مهم وموثر دانست . چرا که به مدداین پدیده ، استفاده از کاغذ تا حد بسیار زیادی کاهش می یابد.طراحی وتهیه بروشور ها ، گزارش های آماری ، نشریات درون سازمانی ویا برون سازمانی را می توان از طریق نشر الکترونیک وبا استفاده از اینترنت منتشر کرد وبه هنگام لزوم تغییراتی در آن داد وهر لحظه اطلاعات آن را به روز وجدید کرد که این کار کمترین هزینه وزمان را می طلبد . به عبارت دیگر می توان هزینه چاپ ، طراحی ، کاغذ و .... را با الکترونیک شدن کاهش وحتی محیط زیست را از معضل آلودگی نجات دهیم البته روابط عمومی الکترونیک در حال رشد وتوسعه است ودر زمانی نسبتا کوتاه ، پیشرفت های بزرگی در مهار اطلاعات رخ داده واین موضوع باعث تحولات جدیدی در روابط عمومی الکترونیک شده است وکارشناسان بر توسعه سریع آن اتفاق نظر دارند .

چرا که پیشرفت وتحولات تازه روابط عمومی الکترونیک که تا حد زیادی ناشی از در دسترس بودن ، تلفیق فناوری های الکترونیک وبکارگیری فزاینده پست الکترونیک واینترنت از سوی روزنامه نگاران می باشد باعث افزایش بزرگراه اطلاعات شده است واز انواع رسانه های ارتباطی که در اینترنت وجود دارد می توان به گروه های مباحثه ، گروههای خبری ، پست الکترونیک و ... اشاره کرد .

ازسوی دیگر در بین نظریه پردازان ، این نظریه عمومی وجود دارد که یکی از تاثیرات چشمگیر رسانه های الکترونیک برآینده روابط عمومی ، احساس نیاز فزاینده متخصصان به درک ویژگی های این رسانه ها به منظور پایان دادن به مخاطب گروهی وطراحی بازاریابی مناسب این عصر خواهد بود .

روزنامه نگاری الکترونیک وجراید الکتریکی

روزنامه نگاری الکترونیک (E-Journalism)

روابط عمومی های ایالات متحده آمریکا هرسال معادل دویست هزار اطلاعیه رسمی را به اینجا وآنجا ارسال می کند که غالبا بدون خوانده شدن از سوی خبرنگاران دور ریخته می شوند . این همه اطلاعیه با صرف ۲۰۴ میلیون دلار هزینه ، ارسال می شود

با توجه به ماهیت و ویژگی های خودیکی از ابزارهای مهم در روابط اجتماعی الکترونیک به شمار می رود . برخی از ویژگی های عمده این پدیده عبار تند از :

۱ - اولین ویژگی وشاید هیجان انگیزترین ویژگی روزنامه نگاری الکترونیک دو طرفه بودن یا تعاملی بودن آن می باشد . در روزنامه های الکترونیک مبحثی به نام ((دروازه بان)) به ضعیف ترین حالت خود تبدیل می شوند وبه جای یک منبع خبری منابع متعدد خبری وجود خواهند داشت که می توانند به خواننده ومخاطب قدرت انتخاب بیشتری دهند . در این حالت این مخاطبانند که می توانند برجریان انتقال اخبارواطلاعات کنترل بیشتری پیدا کنند .

۲ - قابلیت on-Line کردن اخبار: این شیوه امکانی را در اختیار مخاطب قرار می دهد تا روزنامه نگار مخاطب در جریان آخرین اخبار وتحولاتی که لحظه به لحظه اتفاق می افتد قرار گیرد.

۳- قدرت جستجو : در روزنامه نگاری الکترونیک این امکان به وجود آمده است که در حداقل زمان ممکن به نکته دلخواه خود دسترسی پیدا شود.٤- آزادی از زمان ومکان : در روزنامه نگاری جدید ، زمان ومکان در اینترنت نابود شده است . در هر زمان ممکن ، امکان دسترسی به اطلاعات واخبار وجود دارد ودیگر، عوامل جغرافیایی و زمانی علل بازدارنده نمی باشند .

٥ - حل مشکل توزیع : در گذشته یکی از معضلات بزرگ روزنامه نگاری سنتی توزیع ورساندن نشریه به مخاطب بوده است . برف وباران وشرایط جغرافیایی وفاصله تا مرکز از جمله نکاتی بودند که باعث بوجود آمدن مشکلات توزیع می شدند که این مشکل در روزنامه های الکترونیک از بین رفته است. امروزه با حذف عنصر سیستم توزیع سنتی، این پدیده در حد یک انقلاب تغییر کرده است ومهمتر از آن حذف شدن عنصری به نام کاغذ است که علاوه بر صرفه جویی های اقتصادی به محیط زیست نیز صدمه می زند.

٦ - حذف واسطه ها : در روزنامه نگاری سنتی بین پیام ومخاطب واسطه های متعددی وجود داشته است اما امروز بین مخاطب وپیام الکترونیکی هیچ واسطه ای وجود ندارند .

۷ - تفاوت های مهم در آموزش های بین روزنامه نگاری سنتی وروزنامه نگاری الکترونیک وجود دارد . روزنامه نگاری سنتی صرفا بر مهارت های نوشتاری تکیه می کند اما در رزونامه نگاری الکترونیک آموزش ها بسیار تغییر کرده است.

آشنایی روزنامه نگاران نوین با تکنولوژی های نوین از پارامترهای بسیار تعیین کننده است . نقش تحقیقات وپژوهش برای خواننده باعث از بین رفتن اعتبار یک رسانه می شود . آموزش های سنتی ، آموزش هایی مقطعی وموقت است . در صورتی که آموزش های نوین آموزش های پیشرفته است. مصاحبه اینترنتی ، تهیه گزارش های اینترنتی ، سوژه یابی ، کسب اطلاعات ومنبع یابی کاملا دچار تحول شده است ویک گزارشگر اینترنتی باید لحظه به لحظه خود را در بستر تحولات آموزشی جدید قرار دهد ودر صورتی که در روزنامه نگاری سنتی برای تیتر ، لید ویا گزارش نویسی مصاحبه صرفا چند روش وجود دارد.

۸ - به وجود آمدن رقابت بین رسانه ها : به دلیل تنوع ورقابت بالای رسانه های الکترونیک ، مردم قادر خواهند بود به حقایق مطالب بیشتری دسترسی پیدا کنند. از طرف دیگر برای تاثیر گذاری روی مخاطب، شیوه های قدیمی همچون حذف و پنهانکاری، دیگر کارگشا نیست وبیان واقعیات ها برای کسب وجاهت رسانه از جمله ویژگی های رسانه های الکترونیک است.

۹ - استفاده همزمان از گرافیک ، عکس ، صدا ، تصویر وموسیقی ونیز (مولتی مدیا) درجهت انتقال بهتر وکاملتر اخبار واطلاعات از خصوصیات بارز روزنامه های الکترونیک می باشد .۱۰ - تغییر در ارزش های خبری :در روزنامه نگاری الکترونیک ارزش های خبری دچار تحول شده اند . برخی دچار تغییر وبرخی دچار تغییرات ماهوی می شوند.به طور نمونه ارزش مجاورت معنوی و مجاورت جغرافیایی دچار تحولات وتغییرات ویژه شده اند.این بدان معناست که رسانه هامی توانند با محلی گرایی ، خود را در جهان امروز ارائه کنند . شعار رسانه های الکترونیکی ((جهانی فکر کن ، محلی عمل کن))

قصه یک زندگی ...

وقتی من با افشین آشنا شدم همه زندگی من دچار تغییراتی شد که حتی خودم هم نمی تونستم بفهمم که این تغییرات چرا و چطور بوجود میاد .

افشین پسری خوش تیپ وخوش قیافه ای بود وکمتر کسی می شد شیفته اون نشه . چند روزبعد از رفت و آمد افشین، دیگه همه متوجه شده بودن که اون چرا اینقدر به این شرکت میاد و می ره ،می دونستن که گلوی افشین پیش یکی از دخترای شرکت گیر کرده ولی هیچکس نمی فهمید که اون دختر کیه ،چون همه فکر می کردند هر کس که با اون باشه می تونه توی زندگیش خیلی خوش بخت بشه برای همین همیشه صحبت از اون و شخصیت اون پیش دخترا را می تونستی بشنوی .

من نمی تونم بگم که اصلا توی این فکر نبودم نه اینطور نیست من هم مثل اونا و برای اولین بار یه احساسی تو دلم شکل گرفته بود.

یکروز وقتی پشت میزم بودم حس کردم کسی داره منو نگاه می کنه و وقتی سرمو بالا کردم دیدم افشین همینطور که با رئیس شرکت صحبت می کنه به من خیره شده و از حالت چشماش و لبخند کوچیکی که داشت می تونستم بفهمم که توی چه فکری می تونه باشه ولی با این حال بی تفاوت دوباره به کارم مشغول‌شدم .

از اون روز به بعد یه هیاهویی تو دلم افتاده بود ولی نمی تونستم بروز بدم و یا درموردش با هیجان خاصی صحبت کنم، دوست داشتم این احساس پیش خودم بمونه چون فکر می کردم اگه اشتباه کرده باشم و این حس بطور اتفاقی بوجود اومده باشه کس دیگه ای ازاین موضوع باخبر نشه .

چند روز از این ماجرا گذشت و من همینطور کم و بیش به او فکر می کردم تا اینکه یکروز وقتی می خواستم از شرکت برم خونه و کنار خیابون منتظر ماشین بودم ، یک ماشین کنارم ایستاد وصدای آشنایی از توی ماشین به گوشم خورد وقتی نگاه کردم دیدم آقای امینی رئیس شرکته، بهم گفت که می تونه منو تا خونه برسونه، من هم بعداز تعارفهای معمولی قبول کردم .

توی راه آقای امینی خیلی از من سئوال پرسید و من دلیل این همه سئوال رانمی دونستم تا اینکه بهم گفت :خانم شجاعی شما در این مدتی که در شرکت ما کار می کنید نظر همه رو با کار کردن منظم و خوب تون جلب کردین و من هم از شما واقعا راضی هستم و هیچ وقت نمی خوام کارمندی مثل شما رو از دست بدم.ولی آقای امینی نمی فهمید که این همه اضافه کاری و مشغول شدنم به کار فقط جنبه دور بودن از خونه بی روح و کسل کننده را داشت .

بعد از تشکر من ، آقای امینی ازم پرسید که آیا قصد ازدواج دارم یا نه ،من خیلی تعجب کردم و اصلا نمی فهمیدم منظورش از این سئوال چیه ،آخه آقای امینی زن و بچه داشت چرا باید اینقدر از من تعریف می کرد و بعد هم همچین سئوالی رو از من می پرسید ؟!

با تعجب پرسیدم (بله؟)آقای امینی انگار فهمیده بود که من به چه چیزی داشتم فکر می کردم یه خنده کوتاهی کرد و گفت:قبل از اینکه دچار سوءتفاهم بشی بهتون بگم منظورم از مجرد یا متاهل بودن شما خواستگاری کردن برای خودم نبود ،برای یکی از دوستان صمیمی و خوب منه و فکر می کنم که اون رو هم دیده باشین . (وقتی این حرفو زد از فکری که کرده بودم خندم گرفت وخیالم راحت شد).

پرسیدم منظورتون آقای نعیمیه؟گفت بله دقیقا .

اون از من خواسته که با شما صحبت کنم و بگم که اگه شما موافق باشین برای خواستگاری بیاد با پدر و مادرتون صحبت کنه، حالا نظرتون در این مورد چیه؟گفتم نمی دونم باید فکر کنم .ولی چه فکر کردنی توی این چند روز همه چیز توی ذهنم دور می زد به غیر ازفکر کردن به یک درصد اشتباه بودن این ازدواج.

وقتی نزدیک خونه رسیدیم از آقای امینی تشکر و خداحافظی کردم تمام حرفها رو در ذهنم مرور می کردم و توی این فکر بودم که اگه همکارام بدونن که آقای نعیمی از من خواستگاری کرده و اون دختری که همه می خواستن بدونن کیه که آقای نعیمی بخاطرش میاد اونجا من هستم چه عکس العملی نشون میدن .

وقتی که با پدر و مادرم در مورد اون صحبت کردم همه گفتن باید در موردش تحقیق کنیم ولی من اصرار زیاد داشتم که هر چه زودتر اونا بیان خونمون چون می دونستم که اون علی رغم اینکه از نظر تیپ و قیافه چیزی کم نداشت و همونطور بود که من می خواستم از نظر مالی هم چیزی کم نداشت و می شد گفت که آدم کاملا مرفه و پولداری بود و برای همین بدون اینکه تحقیق کنم و به حرف خانواده ام گوش بدم جواب مثبت دادم بدون اینکه حتی بفهمم کارو کسب اصلی اون چیه با هم نامزدشدیم.

ما در دوره نامزدی روزهای خیلی خوبی داشتیم وفکر می کردم تمام چیزی رو که می خوام بدست آوردم و در اون روزها همیشه احساس می کردم حرفهای مادرم درمورد مردها که باید کاملا اونهارو شناخت و زود خام اونها نشد رو چیزه بیهوده وبی اساسی می دیدم و همیشه به مادرم می گفتم دیدی که اشتباه می کردی و همه مثل هم نمیشن . مادرم هم می گفت من همیشه از خدا می خوام همینطور که میگی باشه و توی زندگیت همیشه خوشبخت باشی دخترم .

بعد از چهار ماه نامزدی افشین از من خواست که در مورد ازدواج با هم صحبت کنیم و من هم قبول کردم و به خانواده ام گفتم که ما تصمیم داریم با هم ازدواج کنیم و فکر می کنیم که حالا وقتشه اوناوقتی صحبتهای منو شنیدن با این موضوع مخالفت کردن وقتی دلیل مخالفت اونا رو پرسیدم گفتن توی این مدتی که شما نامزد بودین ما در مورد اون تحقیق می کردیم و فهمیدیم که افشین آدم خلافکاریه .

وقتی داشتن در مورد اون این حرفارو میزدن اصلا نمی تونستم باور کنم و همش می گفتم شما دارین اشتباه می کنید و اصلا دوست نداشتم چیزبدی در مورد افشین بشنوم . من به خاطر اینکه خانواده ام در مورد افشین تحقیق کرده بودن بدون اینکه به من بگن و به خاطر اینکه فکر می کردم اونا نمی خوان من خوشبخت بشم با خانواده ام قهر کردم .

تا اینکه بعد از چند وقت خانواده ام با مخالفت زیاد و به خاطر اصرارهای دوباره من موافقت کردن که ما با هم ازدواج کنیم و روز ازدواج مادر و پدرم اومدن کنارم و بهم گفتن ما صلاح تورو می خواستیم و هیچ پدر و مادری نمی خواد بدبختیه بچه هاشو ببینه ولی تو به حرفهای ما گوش نکردی ولی ما باز هم امیدواریم که تو خوشبخت بشی .وقتی این حرفهارو شنیدم یه کم احساس ترس کردم ولی با این امید که اونا دارن اشتباه می کنن از این موضوع گذشتم.

من دلمو خوش کرده بودم به اینکه از یک زندگی خشک و سرد دارم دور می شم و به یه زندگی مشترک وارد می شم .

بعد از چند وقت که از ازدواجمون گذشت اخلاق افشین کاملا عوض شد اکثر اوقات با دوستاش بود ویا شبها دیر میومد خونه و وقتی ازش می پرسیدم کجا بوده با یه بهانه ای ازش می گذشت من هم با پولهایی که افشین می آورد خونه خوش می گذروندم همیشه یا میهمانی داشتیم یا به میهمانی می رفتیم و فکر می کردم با بهترین چیزهایی که می خرم یا بهترین میهمانیها می تونم خوشبخت ترین باشم حتی بدون اینکه فکر کنم افشین این پولهارو از چه راهی در میاره همونطور که روز خواستگاری گفته بود تجارت پارچه انجام می ده من هم به امیدی که شوهرم تاجر خیلی بزرگ و خوبیه با خیال راحت پولها رو خرج می کردم .

وقتی کاملا توی زندگی افشین وارد شدم تازه فهمیدم که افشین چکاره است و اون همه پول و دکو پوزی که بهم زده بودیم مال چی بود . اون کار خلاف می کرد و اسم این کارشو هم گذاشته بود تجارت . وقتی این موضوع رو فهمیدم دیگه خیلی دیر شده بود .

دیگه کاملاهمه فهمیده بودن که افشین چه کار می کنه و زندگی ما چطور می گذره همه خانواده و فامیل با ما قطع رابطه کرده بودن و هیچ کس دوست نداشت با ما رفت و آمدی داشته باشه تا اینکه یکسال بعد بدتر از موضوع کاری که افشین انجام می داد فهمیدم خود افشین هم معتاد شده و خودش هم به دام مواد اسیر شده تا جایی که روز به روز حالش بدتر می شد و دیگه هیچ خبری از اون تیپ وقیافه و اون همه پول نبود فهمیدم که کم کم دارم زندگیمو از دست می دم ،خیلی سعی کردم که اونو به زندگی واقعی برگردونم اما افسوس که خیلی دیر شده بود و افشین تمام زندگیشو توی این مواد لعنتی از دست داد .

همه اون زندگی داشت از بین می رفت حتی روزی بود که چیزی برای خوردن نداشتیم دیگه خبری از اون همه پول نبود دیگه خبری از اون همه ریخت وپاش نبود.افشین هم داشت روز به روز از بین می رفت .

تازه فهمیدم که چه اشتباهی کردم و همیشه پشیمون از اینکه چرا به حرف خانواده ام گوش نکردم و همه چیزو توی پول قیافه و تیپ می دیدم و فکر می کردم اگه پول داشته باشم همه چیز دارم و پشیمون از اینکه چرا واقع بینانه به این موضوع ،موضوعی که نه یکروز یا دوروز بلکه یک عمر باید می گذروند، فکر نکردم .ولی دیگه جایی برای این حرفها نبود.دیگه خیلی دیر شده بود افشین بعد از چهار سال زندگی مشترک هم با من و هم با این دنیا خداحافظی کرد .

بعد از چند وقت که از ازدواجمون گذشت اخلاق افشین کاملا عوض شد اکثر اوقات با دوستاش بود ویا شبها دیر میومد خونه و وقتی ازش می پرسیدم کجا بوده با یه بهانه ای ازش می گذشت

حالا من موندم دوباره با همون خانواده با همون اتاق کوچیک و با همون زندگی سردو بی روح. اگه من معنی عشق و دوست داشتن واقعی رو می فهمیدم می تونستم افشین رو از این زندگی نجات بدم .اگه من عجله ای برای جدا شدن از خانواده ام نداشتم می تونستم بهتر در مورد زندگیم تصمیم بگیرم و حالا سرزنش های زیادی رو تحمل نمی کردم ،شاید اگه خانواده ام هم نسبت به همدیگه احساس خشک و سردی نداشتن من همیشه آماده فرارنبودم حالا می فهمم که همه چیز پول نیست ،همه چیز قیافه و تیپ نیست اما چه فایده ،چه فایده....!!!

■ یک نویسنده

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدین وسیله به خانم سیده معصومه موسوی فرزند سید موسی بشماره شناسنامه ۳۰ موالید صادره از رودان مقیم بندرعباس کوچه شهید آل بوکردی بعنوان راهن ابلاغ می شود بانک اقتصاد نوین شعبه بندرعباس به استناد سند رهنی شماره ۲۳۵۹ مورخ ۸۵/۱۲/۲۲ تنظیمی دفتر اسناد رسمی شماره ۵۰ برای وصول مبلغ۵۲۹/۹۸۱/۷۱۶ ریال بابت اصل ، بانضمام کلیه خسارت قانونی وارده تا روز وصول ومبلغ ۲۶/۴۹۹/۰۸۵ ریال نیم عشر اجرائی بدهی شما بابت پرونده اجرائی کلاسه ۳۲۵۲ -۸۷ بر علیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده وپرونده فوق در شعبه اجرائی این اداره تشکیل ودر جریان اقدام است . لذا چون طبق گزارش مامور اجراء این اداره در آدرس تعیین شده در اجرائیه شناخته نشده اید وبستانکار نیز نمی تواند شما را معرفی نماید وبرای شعبه اجراء این اداره هم آدرس شما معلوم نیست به استناد تقاضای بستانکار وماده ۱۸ آئین نامه اجراء مفاد اجرائیه فوق الذکر یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار محلی آگهی می شود .

چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتظار این آگهی ازروز ابلاغ اجرائیه محسوب می گردد اقدام به پرداخت بدهی خود ننمائید طبق تقاضای بستانکار این شعبه نسبت به فروش مورد رهن که عبارت است ا ز ۱ - ششدانگ یک واحد آپارتمان واقع در طبقه همکف قطعه اول تفکیک پلاک شماره ۱۶۲۱۱ فرعی از سه اصلی واقع در بخش دوبندرعباس از طریق مزایده اقدام خواهد نمود . به غیر از این آگهی وآگهی مزایده ، آگهی دیگری منتشر نخواهدشد.

عبدا له خواجه بار
مسئول اجراءثبت اسناد و املاک
بندرعباس

روابط عمومی سازمان
آتش نشانی
و خدمات ایمنی
بندرعباس

هرگز سیلندر گاز را نغلتانید
و بعنوان زیرپایی مورد استفاده قرار ندهید

WWW.bndf.org